



"حزب کمونیست کارگری"

وتکرار همان سیاستها و شعارهای غیر کارگری

در پی انشعاب در "حزب کمونیست ایران" سازمان جدیدی بنام "حزب کمونیست کارگری ایران" اعلام موجودیت نمود. این سازمان در اسفند ماه ۱۷۰۰ رگان خود را بنام "انترناسیونال منتشر ساخت".
در نخستین شماره این نشریه، اطلاعیه اعلام موجودیت این حزب به چاپ رسیده که طی آن چهار رتن از بنیانگذاران این سازمان که این اطلاعیه را امضا کرده اند مدعی شده اند که این حزب "یک حزب مارکسیستی" و "متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر" است.
این حزب با اصطلاح "مارکسیست" غیر لنینیست، ظاهرا برای اینکه خود را از "حزب کمونیست" که بر غم ادعاها و جنجالهای تبلیغاتی سران آن پس از گذشت مدتی روشن شده چندان هم کمونیست نبوده بلکه گرایشات غیر سوسیالیستی در آن نقش اصلی را بر عهده داشتند، مجزا سازد در عین حال به دیگران اطمینان دهد که اگر در گذشته "حزب کمونیست" ربطی به طبقه کارگر نداشته، حزب جدید یک حزب کارگری می باشد، پسوند کارگری هم را بنام خود افزوده است تا دیگر چیزی کم و کسر نداشته باشد یعنی هم حزب کمونیست باشد و هم کارگری.

نیازی به توضیح این مسئله نیست که هر سازمان سیاسی را نه بر حسب ادعاها و عناوینی که این سازمان خود را به آنها ملقب می سازد بلکه بر حسب عملکردش با بیدمورد قضاوت قرار داد. این نیز امری بدیهی و روشن است که حزب طبقه کارگران نه با اطلاعیه اعلام موجودیت چهار نفره بلکه از بنیان سازنده طبقه کارگران ایجاد خواهد شد.

با این همه طبیعتا هر کس میخواهد بداند که این حزب جدید که ادعای کارگری هم دارد، بطور مشخص در مورد کارگران ایران چه میگوید و چه رهنمودهایی به آنها میدهد و آیا چیزی جدید مابین آنها و رهنمودهای گذشته وجود دارد یا نه؟

در همین نخستین شماره رگان این سازمان با قطعنامه ای در مورد تشکلهای توده ای طبقه کارگر و روبرو می شویم که در آنجا نماند ۶۶ هنگامیکه هنوز در حزب کمونیست انشعابی رخ نداده بود تصویب شده و "کما کمان مبنای فعالیت حزب جدید اعلام شده است. تنها تغییری که در این قطعنامه صورت گرفته افزودن "کارگری" بدنبال کمونیست بوده است. در این قطعنامه شعار اصلی و سیاست عمومی "تبلیغ و ایجاد دشوراها" اعلام شده و ضمن توضیحات مفصل در مورد نقش، اهمیت و قوا و دشوراها چنین گفته شده است: "شعار اصلی و سیاست عمومی حزب کمونیست کارگری ایران در زمینه سازماندهی توده ای کارگران تبلیغ و ایجاد دشوراها و کارگری و سازماندهی شورائی طبقه کارگر است." این ادعا که در واقع و حوال کنونی میتوان شعار دشوراها و ایجاد آنها را به یک شعار تبلیغی - عملی تبدیل نمود کارگران را به تشکیل دشوراها فراخواند قبلا نیز از سوی سازمان ما مورد انتقاد قرار گرفته و نشان داده شده است که در شرایط نظری وضعیت کنونی ایران امکان تشکیل دشوراها وجود ندارد، لذا این شعار در وضعیت کنونی شعاری پوچ و بی معناست و نتایج آن عاید نمیشود ایجاد اغتشاش در میان کارگران و اساسا تهی ساختن دشوراها از معنای واقعی آنست. با این همه لازم است که یکبار دیگر در پرتو تجارب چندسال گذشته جنبش کارگری ایران این مسئله مجددا مورد بحث قرار گیرد تا اگر افرادی هستند که واقعا مسئله آنها سازماندهی توده ای کارگران است از شعار پررنگی بی محتوا دست بردارند و ادعای خود را روی واقعیت های زمینی بگذارند.

هر کس که الفبای مبارزه طبقه کارگران را بداند این حقیقت را در کمیند که شکل سازماندهی نمیتواند از شکل مبارزه مجزا باشد بلکه بالعکس همیشه شکل سازماندهی بنحولاینگی با شکل مبارزه توده ها مرتبط می باشد.

اگرچه تجربه جنبش کارگری در سراسر جهان و تجربه خود کارگران ایران رجوع شود، این حقیقت مسلم آشکار میگردد که بحساب اینکه کدام شکل مبارزه یعنی اقتصاد و سیاست عمده یا شد و علاوه این شکل های مبارزه در چه مرحله ای از تکامل خود قرار داشته و سیاستها و تکنیکهای طبقه کارگر

چیست، کارگران به اشکال مختلف تشکل متوسل شده اند. اگر بعنوان نمونه جنبش کارگری اروپا را که دارای تجارب بسیار غنی است در نظر بگیریم می بینیم که طبقه کارگر بحسب شرایط مختلف شکل های گوناگونی از تشکلهای توده ای کارگری از جمله اتحادیه ها، کمیته های اعتصاب، کمیته های کارخانه و دشوراها را پدید آورده اند. اما هر کس که با این جنبش اندکی آشنائی داشته باشد این را میدانند که جزا اتحادیه که شکل یا پدیدار تشکل توده ای در این کشورها بوده است، اشکال دیگر تشکلهای توده ای تنها در مقام طبعی معین و بهنگامی پدید آمده اند که شکل سیاسی جنبش عمده بوده و با تغییر اوضاع و دیگر گونی اثر شکل عمده جنبش، این اشکال نیز از میان رفته اند. لذا اگر امروز کارگران کشورهای اروپائی مثل کمیته های کارخانه و دشوراها را ایجاد نمی کنند، از آن رو نیست که کسی یا سازمانی پیدا نشده که شعار تشکیل آنها را مطرح کند تا کارگران آنها را عملی سازند بلکه دقیقا شکل عمده مبارزه کنونی آنهاست که شکل دشوراها را تشکیل داده است. قطعا اگر اوضاع در این کشورها مجددا بنحوی تغییر کند که شکل سیاسی مبارزه طبقه کارگر عمده شود، اعتصاب عمومی سیاسی در دستور کار قرار گیرد و علاوه انقلابی پدید آید، دوباره کمیته های اعتصاب و کارخانه و دشوراها تشکیل خواهند شد.

تجربه جنبش کارگری ایران نیز همین واقعیت را نشان میدهد. اگر چه در ایران بعلمت وجود مستمر رژیم های سرکوبگر و فقدان آزادیهای سیاسی، طبقه کارگر از تشکلهای پدیدار توده ای محروم بوده است، با این همه در مبارزات خود همان واقعیت پیش گفته را اثبات کرده است. پیش از اعتلاء انقلابی نیمه دوم دهه پنجاه طبقه کارگر ایران منطبق بر سطح پایین و شکل عمده مبارزه اقتصاددی خود را در فراجیا کمیته های اعتصاب و دشوراها بدون میتوانست آنها را ایجاد کند اما با تحولات سیاسی و اسطده ده پنجاه، ارتقاء سطح جنبش و عمده شدن شکل سیاسی مبارزه طبقه کارگر و روبرو با اعتلاء وسیع و پیرامون کمیته های اعتصاب و سپس دشوراها را ایجاد نمود، حتی در مراحل اولیه اعتلاء جنبش طبقه کارگر هنوز کمیته های اعتصاب را ایجاد نکردند. شکل گیری کمیته های اعتصاب محصول مرحله معینی از تکامل جنبش بود که اعتصاب عمومی سیاسی را در دستور کار قرار داد. حال اگر پیش از فرارسیدن این مرحله از تکامل جنبش هزاران بار از کارگران خواسته می شد که کمیته های اعتصاب را ایجاد و اعتصاب عمومی سیاسی را برپا کنند، کارگران با این شعار بعنوان یک شعار تبلیغی - عملی توجهی نمیکردند. ما خود با این واقعیت در سال ۶۰ نیز روبرو بودیم.

علیرغم اینکه در سال ۱۶۰۰ اوضاع سیاسی جامعه شدت بحرانی بود و حتی شکل سیاسی جنبش عمده بود، با این همه با این علتهای تشکلهای سیاسی مبارزه توده ای در مرحله لازم تکامل نیافته بود، شعار ایجاد کمیته های اعتصاب و برپائی اعتصاب عمومی سیاسی از سوی سازمان ما نتوانست بعنوان یک شعار تبلیغی - عملی با پاسخ مثبت و عمومی کارگران روبرو گردد. این البته بدان معنا نیست که نباید تبلیغ و ترویج این ایده ها در میان کارگران پر داد. بلکه صرفا اشاره ایست به این واقعیت که نمی توان در هر لحظه مستقل از شرایط حاکم خواستار شکل معینی از مبارزه توده ای و تشکل معین توده ای بود. در مورد مسئله دشوراها نیز وضعیت همین منوال است. طبقه کارگر ایران قبل از روبرو بحرانی که به انقلاب انجامید، نمی توانست منطبق بر شکل معین مبارزه خود که عمدتا اقتصاددی بود دشوراها را ایجاد کند. حتی در مراحل اولیه بحران سیاسی و اعتلاء انقلابی و اسطده ده ۵۰ بحث از تشکیل دشوراها در میان نبود. دشوراها با پیدایش موقعیت انقلابی و اعتلاء بسیار پررنگی که به اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه انجامید، از درون کمیته های اعتصاب سر بر آوردند. این واقعیتی است که سازمان ما بهنگام قیام و تاملتها پس از آن در گسترش ایده دشوراها و دشوراها و شورائی کردن جنبش نقش مهمی ایفا کرد، اما دشوراها تنها با ابتکار مستقل خود طبقه کارگر و در نتیجه تحول و تکامل کمیته های اعتصاب بطور خود انگیخته ای پدیدار شدند. یعنی در واقع محصول جبری شرایط سیاسی معین و مرحله بسیار پیشرفته شکل سیاسی جنبش بودند. اینک چرا دشوراها دقیقا تحت چنین شرایطی پدیدار شدند و با از میان رفتن این شرایط از میان رفتند، پاسخ در نقشی است که این شکل معین تشکل توده ای در مبارزه مستقیم و آشکار بعنوان ارگانهای رزمنده و پیکار رجوی برای

با شند، کمیته کارخانه در شرایط کنونی میتواند بحسب شکل عمده مبارزه طبقه کارگر عمدتاً مطالبات اقتصادی - رفاهی را طرح و مبارزه این طبقه را برای تحقق خواسته‌های خود سازماندهی نماید. بدین طریق است که کمیته‌های کارخانه قادرند بر سازماندهی طبقه کارگر و ارتقا سطح مبارزه آنها تا شیء بگذارند. با نقشی که این کمیته‌ها در مبارزه طبقه کارگر ایفا میکنند، آنها در موقعیتی قرار میگیرند که از اعتماد وسیع‌ترین بخش کارگران برخوردار میگردند. اگر اوضاع سیاسی بنحوی تحول یا فت‌که شکل سیاسی جنبش کاملاً عمده و برجسته شد، کمیته‌ها عمدتاً مبارزه و مطالبات سیاسی طبقه کارگر را سررا سازماندهی و رهبری میکنند و تا آنجا می‌توانند پیش‌رونده به کمیته‌های اعتماد با شورا تحول یا بند، اگر روند اوضاع بگونه‌ای دیگر پیش‌برود و عا لقا وقوع تحولات انقلابی با زهم بتا خیرا فتد و قرار با شدا تحادیه با با زور مبارزه کارگری ایجا دشوند، با زهم این کمیته‌های مخفی میتوانند نقش مهم خود را ایفا نمایند.

اینکه در عمل و تحت شرایط موجود تا چه حد امکان تشکیل این کمیته‌ها وجود دارد با استناد به تجربه خود جنبش کارگری ایران روشن میگردد. واقعیت این است که آنچه طی چند سال گذشته در ایران شکل گرفته نه شورا و نه اتحادیه است. چیزی که در محدوده‌ای و در برخی کارخانه‌ها وجود پیدا کرده است همانا کمیته‌های مخفی کارخانه می باشد. مهم نیست که کارگران برای تشکیل مخفی خود چه نامی گذاشته اند؟ آیا اساساً نامی بر آن گذاشته اند یا نه؟ آنچه مسجل است در برخی کارخانه‌ها و موسسات تولیدی یک هسته مخفی یا بتکا ریشروترین بخش کارگران شکل گرفته و بحیات خود ادامه داده و با سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران کارخانه از اعتماد توده کارگران نیز برخوردارند. این واقعیت نشان میدهد که کمیته‌های مخفی کارخانه مناسب‌ترین شکل تشکیل کارگران در اوضاع کنونی محسوب میگردند و این شکل اصلی تشکیل محسوب میگردد. تا کید بر اصلی بودن این شکل تشکیل بمعنای آن است که عملاً این شکل سازماندهی و رهبری کنند مبارزات کارگران در سطح کارخانه است. اینجا اصلی‌ترین عرصه مبارزه کارخانه برای فعالیت کمونیست‌ها برای سازماندهی و آگاهی‌دادن به کارگران است. در عین حال تا کیدی است برای شکل‌های دیگری از تشکیل نیز میتوانند وجود داشته باشند، اما نامی نتوانند نقش کمیته‌ها را بر عهده بگیرند. تعاد و نیها، سازمانهای ورزشی و فرهنگی، کارگری و دیگر اشکال قانونی و نیمه قانونی از این دست که هم‌اکنون برخی از آنها نیز وجود دارند، میتوانند نقش خود را در محدوده‌ای معین ایفا نمایند. کمونیست‌ها در این شکل‌ها نیز باید فعال باشند و از این طریق نیز به سازماندهی و آگاهی‌دادن به کارگران بپردازند. در موسسات کوچک، بویژه در بخشی که در ایران صنوفنا میده میشود، از آنجا نیکه در اینجا سنت و تجربه سندیکا ئی بالنسبه خوبی وجود دارد و علاوه بر این رژیم چندان به تشکیل اتحادیه در این موسسات ورسته‌ها حساس نیست، اتحادیه‌ها هم‌اکنون نیز میتوانند شکل بگیرند و بدیهی است که کمونیست‌ها باید به شکل گیری این اتحادیه‌ها مدد رسانند.

پس از این توضیحات روشن میگردد که "حزب کمونیست کارگری" هم مانند "حزب کمونیست" غیر کارگری قبلی نه کارگریست و نه حرفی برای گفتن به کارگران دارد. افزودن نام کارگری هم بدنبال کمونیست‌ها چیزی را تغییر داده و نه میتوانند تغییر دهد. وقتی که یک سازمان سیاسی حتی نتواند این واقعیت بدیهی را تشخیص دهد که شوراها تحت چه شرایطی ایجا میشوند و تحت چه شرایطی باید شورا ایجا دشود - بعنوان یک شعار عمل مطرح کرد، آن وقت صحبت از کمونیسم کارگری حرفی پوچ و بی ربط است و جز ادعای تو خالی چیز دیگری نیست.

قیام، سرنگونی و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ای ایفا میکنند. لذا شوراها در هر شرایطی پدید نمی‌آیند و بیسی دورا ز منطق است که کسی در غیاب یک موقعیت انقلابی، یا لاقلاً یک اعتلاء وسیع و بپردازنده از کارگران بخواد دشود - هارا ایجا دکنند. حال اگر کسی پیدا شود در شرایطی که یک اعتلاء وسیع و پیردامنه وجود ندارد و شکل سیاسی مبارزه توده‌ای بمرحله پیشرفته آن نرسیده است، شعار تشکیل شوراها را که ارگانهای قیام و اعمال حاکمیت مستقیم اند بعنوان شعاری تبلیغی - عملی مطرح نماید، در خوشبینانه‌ترین حالت نشان میدهد که الفبای مبارزه سیاسی را نفهمیده و این حقیقت را درک نکرده است که شکل سازماندهی و تشکیل توده‌ای نمی‌تواند از شکل و سطح مبارزه توده‌ای مجزا باشد و طبیعی است که امکان عملی شدن آنهم وجود ندارد و اگر بفرض این شعار بگوش توده‌های کارگر هم برسد با بی‌اعتنائی نسبت به آن برخورد خواهند کرد. در بدینانه‌ترین حالت نیز کسی که چنین شعاری را در شرایط نامقتضی مطرح میکند، با ایجا داغفتا شد در صفوف کارگران به بورژوازی خدمت میکند. چرا که در واقع در غیاب اعتلاء پیردامنه چاره‌ای ندارد جز اینکه وظایف اتحادیه را در برابر شورا قرار دهد و عملاً شورا را از مضمون واقعیاتش تهی و آنرا بی اعتبار سازد. در عین حال طرح این شعار در شرایط کنونی در عمل بمعنای جانبداری از شوراها و اسلامی کار و سوق دادن کارگران به سوی این ارگانهای فریب و تحمیل خواهد بود. از این با بتبا بدخوش حال بود که جریانی که امروز شعار شورا را بعنوان یک شعار عمل مطرح میکنند و کارگران را به تشکیل شوراها فرامیخوانند در مبارزه کارگران نفوذ و اعتباری ندارد و لا طرح این شعار لطمات سنگینی به طبقه کارگر وارد می‌آورد. این یک واقعیت است که پس از سال ۶۰ و برچیده شدن شوراها، دیگر نه اعتلاء وسیعی وجود داشته و نه کارگران نخستین شرایط موجود برای ایجا دشوراها تلاش نموده اند. سازمان ما نیز کار بسیار درست و به جا ئی کرده است که تا فراهم شدن مجدد شرایط تشکیل شوراها، شعار ایجا دشوراها را بعنوان یک شعار عمل از دستور خارج نموده و کارگران را دعوت به تشکیل فوری شوراها نمی‌کند. البته تبلیغ و ترویج در مورد شوراها و زنده نگه داشتن ایده و تجارب جنبش شورا ئی ایران در ذهن توده‌های کارگر و وظیفه هر جریانی کمونیست است. اما این مسئله با فراخوانی کارگران به تشکیل شوراها در لحظه کنونی متفا و تاست.

بهر رو، اگر این واقعیتی است که شعار تشکیل شوراها بعنوان یک شعار عمل و فراخوانی فوری کارگران به تشکیل شوراها طی یک دهه‌ای کسه گذشت نا درست بوده و هم‌اکنون نیز طرح این شعار بعنوان شعار عمل نا درست است، پس طبقه کارگر با توجه به شرایط اختناق و سرکوب حاکم که هر ابتکا ر عمل و تشکیل مستقل کارگری را بشدت سرکوب میکند، و توام با آن در نظر گرفتن این واقعیت که تحت دیکتاتوری عربیان و قرار گرفتن مستقیم دولت در برابر کارگران و خواسته‌های آنها که مبارزات کارگران در محدوده اقتصاد و صنعتی باقی نمی‌ماند و شکل‌های سیاسی مبارزه اولویت ویژه‌ای کسب میکنند و نیز در نظر گرفتن سطح کنونی مبارزه طبقه کارگر، چه شکلی را بعنوان شکل اصلی تشکیل باید در برابر خود قرار دهد. تاکنون علاوه بر مسئله شورا که هم‌اکنون مورد بحث قرار گرفت، شعار تشکیل اتحادیه نیز از سوی برخی سازمانها مطرح شده که این شعار نیز نتوانسته است عملی گردد. سازمان ما با در نظر گرفتن مجموع اوضاع شعار تشکیل کمیته‌های کارخانه را مطرح نمود که مطابق توضیحاتی که مکرر در مورد نقش و وظایف آنها ارائه شده بعلا تا عطا فپذیر - یشان در قبال اوضاع و مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و قابلیت تحول آنها به شکل‌های دیگر شکل‌های کارگری و انطباق با شرایط حاکم مناسب‌ترین شکل اصلی تشکیل کارگری محسوب میشوند. برخلاف شوراها که تنها در شرایط اعتلاء پیردامنه جنبش توده‌ای پدید می‌آیند و علاوه بر این وظایف اتحادیه‌ای آنها در محیط کارخانه جنبه تبعی و فرعی دارد و بر خلاف اتحادیه‌ها که میتوانند تنها پاسخ‌گوی مبارزه اقتصادی و خواهسته‌های اقتصادی - رفاهی کارگران باشند و عا لقا در غیاب سنت اتحادیه‌ای نیرومند در ایران و شرایط سرکوب حاکم امکان ایجا د آنها وجود ندارد، کمیته‌های کارخانه که در آغاز مخفی بوده و با بتکار پیشروترین بخش کارگران تشکیل میشوند، میتوانند ارگان‌های سازماندهی مبارزات و مطالبات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در محیط کار و فعالیتشان